



گرده‌برداری در واژه‌سازی

علاءالدین طباطبائی

هنگامی که اهل یک زبان با لفظی خارجی، که مفهومی تازه در بر دارد، مواجه می‌شوند برای بیان آن مفهوم در زبان خود سه راه در پیش دارند: وام‌گیری آن لفظ از زبان بیگانه؛ معادل‌یابی مفهومی؛ گرده‌برداری^۱.

روش اول در این مقاله محل بحث نیست؛ اما پیش از پرداختن به روش سوم، که موضوع اصلی بحث ماست، لازم است درباره روش دوم اندکی توضیح دهیم.

معادل‌یابی مفهومی

معادل‌یابی در صورتی مفهومی محسوب می‌شود که لفظ اختیار شده در برابر واژه بیگانه از نظر زبانی با آن واژه نسبتی نداشته باشد و لفظ بومی بدون توجه به معنا و ساختار لفظ بیگانه برگزیده شود، مانند مثال‌های زیر:

motel	در برابر	راه‌سرا	answering machine	در برابر	پیام‌گیر
microwave oven	در برابر	تندپز	bogie	در برابر	هزارچرخ

(۱) استاد ابوالحسن نجفی در برابر calque (فرانسسه) و loanshift و loantranslation (انگلیسی)، معادل «گرته‌برداری» را پیشنهاد کرده‌اند (← نجفی، ص ۵۰) که مقبول اهل فن افتاده و فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز با مختصر تغییری آن را به صورت «گرده‌برداری» پذیرفته است.

refrigerator	در برابر	یخچال	resume	در برابر	کارنامه
sadism	در برابر	دگرآزاری	clinic	در برابر	درمانگاه
heater	در برابر	اجاقک	subside	در برابر	پارانه

شمار معادل‌هایی که با این روش اختیار شده است زیاد است و ما فقط ده مثال شاهد آوردیم.

گرده برداری

گرده برداری روشی است که، در آن، برای یافتن معادل در برابر یک اصطلاح بیگانه آن اصطلاح ترجمه می‌شود؛ به بیان دیگر، به جای «تکواژهای زبان بیگانه تکواژهایی از زبان بومی به کار می‌رود». (LEHMAN 1962, p. 216)

پیش از آنکه به شرح گرده برداری بپردازیم لازم است با مفهوم گسترش معنایی آشنا شویم.

گسترش معنایی

گسترش معنایی واژه‌ها یکی از رایج‌ترین روش‌ها برای هماهنگ شدن زبان با نیازهای جدید است. در این فرایند، معنی یک واژه حفظ می‌شود ولی معنی یا معانی جدیدی هم بر آن بار می‌گردد، مانند واژه‌های مجلس، یخچال، تیر که امروز علاوه بر معانی قدیم در معانی جدیدی نیز به کار می‌روند. بسیاری از واژه‌هایی که در فارسی معیار امروز رایج‌اند چنین حالتی دارند. این واقعیت زمانی آشکارتر می‌گردد که واژه‌های متداول را نه منفرد بلکه در بافت‌های مناسب در نظر بگیریم. برای مثال، واژه‌های جمعیت در عبارت رشد جمعیت و آگهی در عبارت آگهی بازرگانی و اعتبار در گشایش اعتبار و اقتصاد در عبارت اقتصاد روستا در معنایی به کار رفته‌اند که در گذشته سابقه نداشته است. این فرایند به زبان عالمانه اختصاص ندارد و عموم مردم، بر حسب نیاز، به گسترش معنایی واژه‌ها دست می‌زنند. مثلاً، در اصطلاح تعمیرکاران خودرو، واژه‌های گوشواره، نعلبکی، پستانک برای اشاره به پدیده‌های زیر به کار می‌روند:

گوشواره: قطعه‌ای در زیر فنرهای تخت که امکان تغییر طول فنر را در اثر نوسان فراهم می‌کند.
نعلبکی: قطعه‌ای در سر میل‌گاردان

پستانک: محلّ تزریقِ گریس در قسمت‌هایی از خودرو. (← میرزایی و مختارپور)

حال که مقصود خود از گسترش معنایی را روشن کردیم، به بحث دربارهٔ انواع گرده‌برداری باز می‌گردیم. گرده‌برداری را می‌توان به دو نوع کلی تقسیم کرد: معنایی؛ ساختاری - معنایی.

گرده‌برداری معنایی

در این نوع گرده‌برداری، از گسترش معنایی که در زبان بیگانه ائتفاق افتاده است تقلید می‌شود. برای مثال، در زبان انگلیسی واژه *enrich* به معنی «غنی کردن و حاصلخیز کردن» است. در این زبان، این واژه در معنای «افزایش مقدار ایزوتوپ‌های رادیواکتیو» نیز به کار رفته است. به بیان دیگر، در زبان انگلیسی بر واژه *enrich* معنای تازه‌ای بار شده و این واژه گسترش معنایی یافته است. در فارسی، برای رساندن آن مفهوم فیزیکی، واژه غنی‌سازی به کار رفته است که، در حقیقت، گسترش معنایی این واژه به تقلید از زبان انگلیسی است. در زبان عربی نیز، که برای این مفهوم واژه تخصیص (= حاصلخیز کردن) را اختیار کرده‌اند، گرده‌برداری معنایی صورت گرفته است.

این نوع گرده‌برداری خاصّ زبان عالمانه است و برای گویشوران معمولی زبان قابل تشخیص نیست. در اینجا، نمونه‌هایی از این نوع گرده‌برداری را شاهد می‌آوریم. رژه این واژه، که امروز به معنی «عبور گروهی از افراد نظامی در صفوف منظم از مقابل شخص یا چیزی به مناسبتی خاص» است، در قدیم، به معنی «ریسمانی که بنایان به راستی آن دیوار سازند» بوده است. فرهنگستان اول آن را در معنی امروزی آن در مقابل واژه فرانسۀ *défilé*، که اصل آن واژه‌ای است لاتینی به معنی «نخ و رشته» اختیار کرده است.

بافت این واژه، که امروز در زیست‌شناسی به معنی «مجموعه‌ای از سلول‌ها و مادهٔ بین‌سلولی که وظیفهٔ مشخصی را انجام می‌دهند» به کار می‌رود، در فرهنگستان اول در مقابل واژه *tissu* اختیار شده است که در فرانسۀ باستان به معنی «بافته» بوده است.

آموزه این واژه، که به معنی «مجموعهٔ اصول آموزشی مربوط به موضوع و شخص و مرام و مذهب معین» است، گرده‌برداری از واژه *doctrine* است که از صورت لاتینی *doctrina* به معنی «آموزش» گرفته شده است.

گرده برداری ساختاری-معنایی

در این نوع گرده برداری، اجزای تشکیل دهنده واژه بیگانه به تکواژهای موجود در زبان مقصد ترجمه می‌شوند. این روش، در حقیقت، عادی‌ترین شیوه ساختن معادل برای واژه‌های بیگانه است:

در بسیاری از جامعه‌های زبانی که در آنها یک سیاست دولتی رسمی و احساسی غیررسمی در جهت حفظ اصالت و پاکی زبان از تهاجمات واژه‌های بیگانه وجود دارد...، هنگامی که نیاز به قرض‌گیری یک واژه پیدامی‌شود، این زبان‌ها تمایل بیشتری به استفاده از روندی معروف به ترجمه فرضی (=گرده برداری) نشان می‌دهند. (آرلاتو، ص ۲۱۵-۲۱۶)

در زبان فارسی، واژه‌ها و عبارتهای بسیاری به روش گرده برداری از کلمات عربی ساخته شده است، از آن جمله‌اند:

سالك ← رهرو	بِنْتُ الْعَيْنَبِ ← دختررز
وحيدُ العصر ← يگانه زمان	لسان الثور ← گاوزبان
لسان العُصفور ← زبان گنجشک	متقاعد ^۲ ← بازنشسته

طی صد سال گذشته، در زبان فارسی واژه‌های بسیاری با گرده برداری از الفاظ غربی ساخته شده است که آنها را می‌توان با توجه به ساختار الفاظ غربی به انواع زیر تقسیم کرد:

۱. گرده برداری از واژه‌های مشتق - در برابر واژه مشتق بیگانه، در بسیاری موارد، واژه مشتق فارسی اختیار شده است:

reaction ← واکنش	sensor ← حسگر
ordinator ← رایانه	polarization ← قطبش
processing ← پردازش	printer ← چاپگر

(۲) باید توجه داشته باشیم که رابطه میان زبان‌های فارسی و عربی یکسویه نبوده و بین این دو زبان داد و ستد صورت گرفته است. زبان عربی که واژه‌های بسیاری را از فارسی به وام گرفته است (برای مثال ← محمد التونجی، معجم المعربات الفارسیه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت ۱۹۹۸)، به احتمال زیاد واژه‌های بسیاری را نیز از فارسی گرده برداری کرده است که شاید کلمات ماء الوجه (آبرو) و راهب (ترسا = ترساگ پهلوی) نمونه‌هایی از آن باشند.

در موارد بسیاری نیز، در برابر واژه مشتق بیگانه واژه‌ای مرکب ساخته یا انتخاب شده است:

← distributed	توزیع شده	← flasher	چشمک‌زن
← symbolism	نمادگرایی	← hotelier	هتل‌دار
← monomer	تک‌پار	← musician	موسیقی‌دان

۲. گرده‌برداری از واژه‌های مرکب - در برابر واژه مرکب بیگانه، در غالب موارد، واژه مرکب اختیار شده است:

← skyscraper	آسمان‌خراش	← aftershock	پس‌لرزه
← drycleaning	خشک‌شویی	← bodyguard	جان‌پاس
← water heater	آب‌گرم‌کن	← carwash	خودروشویی

۳. گرده‌برداری از واژه‌های دارای صورت ترکیبی - مراد از صورت ترکیبی^۳ عنصری است زبانی که، برخلاف واژه، کاربرد مستقل ندارد ولی می‌تواند با یک واژه مستقل یا صورت ترکیبی دیگر و یا یک‌وند به کار رود، مانند mini و graphy و cephal در مثال‌های زیر:

ترکیب با واژه:	miniskirt
ترکیب با یک صورت ترکیبی دیگر:	photography
ترکیب با وند:	cephalic

در زبان‌های انگلیسی و فرانسه، در حوزه علم و فناوری، واژه‌های بسیاری با صورت‌های ترکیبی ساخته شده است. در فارسی، برای معادل‌سازی در برابر چنین واژه‌هایی، غالباً از فرایند ترکیب (ساختن واژه مرکب) استفاده می‌شود، مانند

خاج‌دیس در برابر cruciforme که مرکب از صورت ترکیبی واژه لاتینی crux به معنی «صلیب» و واژه forme به معنی «شکل» است.
برون‌پوست در برابر ectoderm که مرکب از صورت‌های ترکیبی ecto- به معنی «بیرون» و -derm به معنی «پوست» است.
آسیب‌شناسی در برابر pathology که مرکب از صورت‌های ترکیبی patho- به معنی «بیماری» و -logy به معنی «علم» است.

3) combining form

۴. گرده برداری از گروه های نحوی - چنان که می دانیم هر گروه نحوی دست کم از دو واژه ساخته می شود که از نظر صرفی و آوایی هر کدام واژه مستقلی به شمار می آیند، مانند personal computer که معادل رایانه شخصی برای آن اختیار شده است. بخش اعظم معادل هایی که در برابر گروه های نحوی گذاشته شده گروه نحوی هستند:

green space ← فضای سبز detector loop ← مدار آشکارساز
 instant tea ← چای فوری uster bomb ← بمب خوشه ای

اما شماری واژه مرکب نیز در مقابل گروه های نحوی اختیار شده است:

retail banking ← خرده بانکداری rolling stock ← خطنورد

گرده برداری جزئی

در برخی موارد، واژه گرده برداری شده ترجمه همه عناصر واژه بیگانه نیست: فقط جزئی از واژه بیگانه ترجمه شده و جزء دیگر به روش مفهومی معادل یابی گردیده است. در این صورت، معادل یابی به نوع مفهومی نزدیک می شود، مانند

بهبار این واژه، که منطقاً باید مخفف «بهداشت یار» باشد، در برابر nurse-aid ساخته شده است و، در آن، فقط «یار» ترجمه aid است.

پساب در این واژه، که در مقابل waterwaste آمده است، فقط «آب» ترجمه water است. بالگرد این واژه در برابر helicopter ساخته شده است که مرکب است از دو صورت ترکیبی helic مشتق از helix به معنی «مارپیچ» و pter مشتق از pteron به معنی «بال» که، در ترجمه فارسی، فقط از pter گرده برداری شده است.

فضایما و دستینه که به ترتیب در مقابل spacecraft و handbook اختیار شده اند، نیز آشکارا از طریق گرده برداری جزئی ساخته شده اند.

گرده برداری مضاعف

در برخی موارد، واژه ای که به روش گرده برداری ساختاری - معنایی ساخته شده است، علاوه بر معنای اولیه خود معنای دیگری نیز پیدا می کند که از ساختار معنایی آن بر نمی آید بلکه تقلید از واژه بیگانه است. مثلاً واژه روان شناسی که از psychology گرده برداری شده است، علاوه بر معنای «شناخت روان»، به پیروی از اصل انگلیسی، به معنی «ویژگی های روان شناختی» هم به کار می رود: او روان شناسی قدرت طلبان را دارد.

گرده‌برداری و برنامه‌ریزی زبان

چنان‌که پیش از این گفتیم، رایج‌ترین روش معادل‌یابی برای واژه‌های بیگانه گرده‌برداری است و این روش در همه زبان‌هایی که با واژه‌های بیگانه تماس دارند کم و بیش به کار می‌رود. مثلاً، در زبان عربی، در برابر کلمات فوتبال، بستکبال، والیبال، واترپولو، واژه‌های كُرَةُ الْقَدَمِ، كُرَةُ السَّلَّةِ، كُرَةُ الطَّائِرَةِ، كُرَةُ الْمَاءِ ساخته شده است که همگی گرده‌برداری هستند. در زبان‌های آلمانی و فرانسه نیز واژه‌های بسیاری به این روش ساخته شده‌اند.

دلیل اینکه گرده‌برداری در زبان‌ها رواج دارد این است که «نام‌پذیری تابع قوانین کلی و جهان‌شمول است» (Chomsky 1965, p. 29). به بیان دیگر، وجوه نام‌گذاری در همه زبان‌ها انگشت‌شمار و تقریباً یکسان است و، از همین رو، واژه‌های گرده‌برداری شده، هرگاه بر اساس قواعد صرفی - نحوی زبان مقصد ساخته شده باشند و حاصل ترجمه مکانیکی نباشند، معمولاً طبیعی و پذیرفتنی به نظر می‌رسند.

گرده‌برداری در معادل‌یابی علمی این حُسن را دارد که می‌توان در مقابل عناصر زبانی بیگانه از وندها و واژه‌های معینی استفاده کرد و به گرده‌برداری الگودار راه برد. واژه‌های زیر نمودار چنین روشی هستند.

-meter - سنج در برابر		-de - زدایی در برابر	
ammeter	آمپرسنج	dehydration	آب‌زدایی
chronometer	زمان‌سنج	detoxification	سم‌زدایی
barometer	فشارسنج	decentralization	تمرکززدایی
-alleo- و -allo- - دگر در برابر		-logy - شناسی در برابر	
alleopathy	دگرآسیبی	sociology	جامعه‌شناسی
allogamy	دگرگشنی	meteorology	هواشناسی
allotropy	دگرشکلی	astrology	اخترشناسی
-auto - خود در برابر		-ism - گرای در برابر	
automobile	خودرو	abstractionism	انتزاع‌گرایی
autoxidation	خودآکسایش	modernism	نوگرایی
-cracy - سالاری در برابر		-scopy - بینی در برابر	
democracy	مردم‌سالاری	endoscopy	درون‌بینی

technocracy	فن سالاری	colonoscopy	کولون بینی
bureaucracy	دیوان سالاری	periscope	پیرابین
-دوست در برابر -phile		-نگاری در برابر -graphy	
lithophile	سنگ دوست	radiography	پرتونگاری
bibliophile	کتاب دوست	crystallography	بلورنگاری
Euophile	اروپا دوست	monography	تک نگاری
-ترا- در برابر -trans		-درمانی در برابر -therapy	
transportation	ترابری	physiotherapy	فیزیکی درمانی
transaction	تراکنش	hydrotherapy	آب درمانی
transcription	ترانویسی	radiotherapy	پرتو درمانی
پرتو- در برابر -radio		-هراسی در برابر -phobia	
radioactive	پرتوزا	xenophobia	بیگانه هراسی
radioscopy	پرتو بینی	hydrophobia	آب هراسی
radiotherapy	پرتو درمانی		

همه مثال هایی که در بالا آوردیم واژه هایی هستند که از طریق گرده برداری ساخته شده اند و، در عین حال، در ساخت آنها، قواعد صرفی- نحوی زبان فارسی رعایت شده است. بنابراین، به نظر می رسد که گرده برداری در حوزه واژه سازی روشی است مفید که معادل گزینی را تسهیل و فرایندهای واژه سازی را تقویت می کند و دستگاه صرف زبان را فعال می سازد و از این رو باید محل توجه خاص برنامه ریزان زبان قرار گیرد. اما به این نکته نیز باید توجه داشت که، در برخی موارد، گرده برداری هایی غیر ضروری یا مخالف قواعد صرفی- نحوی فارسی نیز صورت گرفته است که نحوه مقابله با آنها باید بررسی شود. بحث درباره آنها مجال دیگری می طلبد.

منابع

آرلاتو، آنتونی (۱۹۸۱)، درآمدی بر زبان شناسی تاریخی، ترجمه یحیی مدرسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۸۴.
میرزایی، شهرداد و رجبعلی مختاریپور، فرهنگ اصطلاحات عامیانه خودرو، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۸۲.

- نجفی، ابوالحسن، غلط‌نویسیم، فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۰.
- CHOMSKY, N. (1965), *Aspects of the Theory of Syntax*, Mass: MIT Press, Cambridge.
- LEHMAN, W.P. (1962), *Historical Linguistics: An Introduction*, Holt, Rinehart and Winston, New York.

در این مقاله، از فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌های زیر نیز استفاده شده است:

- فرهنگ بزرگ سخن، به سرپرستی حسن انوری، انتشارات سخن، تهران ۱۳۸۱.
- لغت‌نامه، علی‌اکبر دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۳.
- واژه‌های مصوب فرهنگستان (۱۳۷۶-۱۳۸۵)، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۷.
- واژه‌های نو تا پایان سال ۱۳۱۹، فرهنگستان ایران، دبیرخانه فرهنگستان، (ش ۷).
- The American Heritage Dictionary of English Language, Third Edition*, Houghton Mifflin Company, Boston 1992.
- Le Nouveau Petit Robert de la langue française*, Le Robert, Paris 2007.

